



غلام محمد رئیس حزب ملی هیواد:

من حاضر م صارف کمیسیون کنگره متشکل از اعضای شورای مرکزی حزب وطن (ح.دخ.ا.) را پردازم

به دوستان و رفقای ورجاوند و سابقه داران حزب وطن (ح.دخ.ا.)!

دوستان عزیز به ویژه رفیق گرامی شیر احمد و همه رفقای محترم هیات اجرائیه و شورای مرکزی حزب وطن (ح.دخ.ا.).

با تقدیم سلام ها و احترامات فایقه به همه راهیان و رهروان و پیشگامان صادق و مبارز راه وطن و مردم؛

نامه مملو از احساسات و وطنپرستانه و بسیار هم، خالصانه رفیق محترم شیر احمد را در سایت وزین آریایی خواندم. حرف ها و نکاتی که درین نامه ذکر شده است همه از قلب یک وطنپرست صادق و باایمان و از قلب یک فرزند صدیق وطن سرچشمه می گیرد.

بدون شک، قلب هر هم وطن و هر راهی راه مبارزه مان را که با تمام باور و امید و همت در خدمت مردم و وطن بودیم تکان داده و به خاطر بیداری از خواب خوش و ناخوش هشدار می دهد.

فکر نمی کنیم که برخی از طرح های رفیق شیر احمد، برای بسیاری از رفقای گرامی قابل قبول باشد، زیرا او پیشگام شده و حرف دل هزاران رفیق حزبی را که قلب شان به خاطر وطن و مردم می تپد مطرح کرده است. من نیز با برخی از گفته های این وی موافق هستم و با تائید از دل و جان آن، چند نکته را قابل یادآوری می دانم.

در وهله نخست، لازم میدانم که در معرفی خود نیز، چند کلمه ای به عرض برسانم تا آنده از رفقای که بامن قبلا اشنایی ندارند حداقل معرفت حاصل گردد و بدانند که کی با ایشان درد دل می کند.

بنده غلام محمد هستم. بعد از فراغت از فاکولته زراعت کابل به شهر لیننگراد جهت تحصیلات عالی در شته حقوق و علوم سیاسی رفتم. و در برگشت مدتی در ریاست امور سیاسی وزارت داخله و بعدا به حیث آمر سیاسی پولیس ننگرها و سپس سرپرست ولایت کنر و قوماندان پولیس آن ولایت بودم. با تغییر حکومت و آمدن مخالفین در کابل مانند هزاران

هموطن و رفیق دیگر خود مجبور به ترک وطن شدم. وبه شهر سان پترزبورگ (لنینگراد دیروزی) رفتم. پس از مدتی به شهر مسکو آمدم و مانند دیگر رفقای گرامی به کار شاقه جهت معیشت در مسکو پرداختم. شاقه بودن کار را رفقای بهتر درک می کنند که درین سرزمین بوده و کار کرده اند. بعدا با بدست آوردن مقداری پول راه چین را پیش گرفتم و به کار تجارتي پرداختم. تا دیر مدت تجارت کردم و حالا نیز مصروف همین کار هستم. در سال 1997 بر اثر انتخابات آزاد دموکراتیک و سری افغانهای مقیم مسکو به حیث رییس مرکز کاری افغانها برگزیده شدم. که تا کنون درین سمت کار می کنم و به امور تجارتي ام نیز می پردازم.

از دوسال بدینسویه منظور گردهم آوری یک عده از رفقای دیروزی حزب و هم چنان هموطنان معتدل و میانه رو و باورمند به مصالحه و آشتی ملی ای که مرحوم دکتور نجیب اله رییس جمهور فقید افغانستان اعلام داشته بود و به منظور ایجاد و تحکیم تفاهم ملی در جامعه افغانی همراه با دها هدف دیگر و وطنپرستانه انسانی و افغانی، حزبی را به نام حزب ملی هیواد در افغانستان ایجاد و راجستر کردم. که اینک عنقریب جشن دو سالگی آن را تجلیل می کنیم.

درین مدت، حزب ما نه تنها در شهر کابل، بلکه در ولایات آن نیز، چون بلخ، ننگرهار، کنر، جوزجان، لغمان، سرپل، هرات، سمنگان، غور، بادغیس، میدان وردک، فراه، پروان، لوی ولسوالی شینوار، لوی ولسوالی شیندند، شورا های ولایتی، شهری و ولسوالی های خود را ایجاد کرده است.

در مورد حزب ملی هیواد، تبلیغ نمی کنم. با این تذکار، صرف خواستم از کار کرد های خود به خاطر ایجاد معرفت با رفقای گرامی پیشکسوت خانواده بزرگ حزب وطن زمینه سازی نمایم. بنا بر همین گفته ها اکتفا کرده به عرض می رسانم که:

بنده نیز هیچگاه عاشق کیش شخصیت و تکتازی نبوده و نیستم. علاقمند مبارزه در صفوف گسترده حزب وطن، با مشی انساندوستانه آن دوشادوش مبارزان روز های دشوار و دوشادوش راهیان و قهرمانان راه آزادی و سعادت مردم در جمع رفقای حزب وطن باشم و شانه به شانه با ایشان، درفش مبارزه را بر دوش بکشم. ازین رو با بسیاری نقاط طرح رفیق شیر احمد ابراز موافقت می نمایم. موافقت رفیقاه و صادقانه.

دوستان عزیز! امروز وطن ما به مثابه یک دیگ بی سرپوش دستخوش حوادث و رخداد های ناگواری است، که استدام حالات جاری آن، متأسفانه روزنه های امید ترقی و شکوفایی آن را بسته اند. درد ملت و درد وطن در نزد کسانی که جلو در دست شان است، مسخرگی ای بیش نیست. به چشم سر می بینیم که عزت و آبروی وطن به فروش گذاشته شده و بر سر آن قمار سیاسی زده می شود. آیا برای ما، که یک عمر توام با برخی نا رسایی ها و اشتباهات، که یک امر طبیعی محسوب می شود، با صداقت و راستی مبارزه نکردیم؟ که کردیم، آیا عزت و آبروی وطن برای ما بهایی ندارد؟ که مسلماً دارد. و این را نیز می دانیم که عزت وطن را از هیچ جا و مقام و کشوری به عاریت گرفته نمی شود. این را خود افغان ها باید احترام کرده و آن را بر جا داشته باشند. هیچ بیگانه ای ولو، هر قدر هم دوست باشد، خانه کسی را آباد نمی کند. ما خود ما باید خانه خود را آباد کنیم و درگام اول، باید آن را از دست ویرانگران بکشیم. این سوال نیز سوال عمده سیاسی است که امروز در برابر فرد فرد ما و شما قرار دارد. پاسخ دادن به آن، شهادت حزبی و وطنپرستانه ای را نیاز مند است و ما هر کدام در خود باید این پاسخ را جستجو نمایم.

رفقای گرامی! امروز می بینیم که تمام زیربنا و روبناهای مادی و معنوی کشور ما به تاراج گذاشته شده است، جو حاکم سیاسی در کشور گویای این حقیقت است که مردم و کشور اصلا به باد فراموشی سپرده شده و اصل خدمت و خدمتگذاری مفهومش را از دست داده است. ماهیت نظام سیاسی کشور، در دوصدو پنجاه سال پسین هیچ وقت با چنین بیماریگی ای نبوده که امروز است. ساختار دولتی و مقامات کلیدی دولتی به ویژه چوکی های عایدآور، در بدل تندرهای و دواطلبی ها فروخته می شوند. معارف در وضع بسیار ناگواری قرار دارد و سطح تحصیلات عالی درهمین منوال است. در افغانستان بیکاری و فقر بیداد می کند و سطح زندگی مردم روز تاروز به زیر صفر تقرب می کند. اگر ظاهرآ جنگ در افغانستان از بین رفته است، فساد های اجتماعی، اداری، رشوه، مواد مخدر و تروریسم به ویژه ترور های انتحاری سراسر کشور را در محاصره گرفته و بسیار کم کسانی خواهند بود که از یکی زاین فساد ها رهایی داشته باشد.

امروز پرسش بود و نبود زندگی وطن و مردم آن قلب هر هموطن ما را آزار می دهد. آیا به این پرسش مرگ و زندگی پاسخی نباید داد؟ باید داد. جستجوی پاسخ دقیق به این پرسش، به ایجاد یک الترناتیف قوی سیاسی در جامعه افغانی نیاز مند است که میبایست به وجود آیدو کار بزرگ سیاسی را در سیستم کشور براه بیاندازد.

خوشبختانه اکنون در جامعه افغانی، یک سلسله خیزش های دیگر سیاسی نیز وجود ارنند که حزب ما با ایشان در نزدیکی و تفاهم ها یی قرار دارد. این جنبش ها نیز غیر از اعضای قبلی حزب وطن (ح.دخ.ا.) می باشند که بدون شک قلب های شان برای وطن می تپد و مالامال از آرزوهای شکوفایی و ترقی میهن شان هستند.

هرگاه رفقای گرامی هیات اجرائیه (بیرونی سیاسی) و شورای مرکزی حزب وطن (ح.دخ.ا.)، تصمیم برآمدن به میدان مبارزه سیاسی را بگیرند، بدون شک من، حزیم و سایر رفقای از جزایر جدیدا ایجاد شده از حزب وطن به دور ایشان جمع می شوند، از ایشان پشتیبانی می کنند، از ایشان و فیصله ها و دساتیر ایشان حمایت و پیروی می نمایند.

من به مثابه اولین کس صدایم را بلند می کنم و با صراحت اعلام می دارم که هر گاه این کار صورت گیرد و گامی درین راستا برداشته شود، با تمام باور و صداقت حزبی خویش، راهرو اندیشه خدمتگذاری به وطن هستم و باور دارم که هیات اجرائیه و شورای مرکزی حزب ملی هیواد نیز از من پشتیبانی می نمایند. اینک، این باور را به گوش هر رفیق حزبی و هر هموطن خود می رسانم.

دوستان عزیز! شما آگاهی دارید که رفقای پیشکسوت ما با تغییر حکومت در سن و سالی نبودند که توان کار فزیکتی در وجود شان باقی مانده باشد - از این طریق توانسته باشند به خاطر امرار حیات شان و یا هم پس انداز پولی زمینه های را در اختیار داشته باشند. طوری که دیده می شود بخش اعظم ایشان در کشورهای بیگانه با معاشات بخور و نمیر سوسیال زندگی می کنند و باور داریم که از ان پول پیزی باقی نمی ماند که بتوانند به خاطر مصارف کمیسیون و یا کنگره سراسری خرج نمایند. از سوی دیگر دیده می شود، برای کمیسیونی که به خاطر این منظور ایجاد می شود و همچنان تداوم کار ان تا کنگره به مصارف زیاد پولی نیاز اشدی وجود دارد.

تا جایی که معلوم است هیچ کشوری هم حاضر نیست که مصارف کار حزبی و روشنفکرانه ما را بپردازد و مکلفیتی هم ندارند. تجارب نیز نشان می دهد که ما هم نباید به

کسی دستی دراز کنیم. دولت فدراتیف روسیه که ما در آن زندگی میکنیم دیگر آن دولت دیروز شوروی نیست که د ر امور زندگی سیاسی ما مداخله کند، ما افغانها درین کشور با استقلالیت تمام و در فضای احترام متقابل در مسکو و گوشه و کنار دیگر فدراتیف روسیه زندگی میکنیم. از طرف دیگر ما مصروف کار هستیم درین جا که قیمتی فراوان است هرکس باید کار بکند و ما افغان ها نیز مصروف کار می باشیم. افغانهای مقیم فدراتیف روسیه از هیچ مرجعی معاش سوسیال نمی گیرند. همگی بر پای خود ایستادند و شکر خدا که اکثریت آنان زندگی بدی ندارند.

ما که برای بار اول امکان حضور در کشور را نداریم، بنا برای تدویر جلسه کمیسیون باید در یک کشور خارجی دایر شود. و تدویر این جلسه بنا بر توضیحات فوق، در شهر مسکو، هیچ نوع ملاحظه ای در قبال داشته نمی تواند. از طرف دیگر روسیه به افغانستان نیز نزدیک است و هرگاه ضرورتی افتید با سادگی می توانیم وارد کشور خود شویم.

در صورتی که رفقا، علاقمند تدویر جلسه کمیسیون شورای مرکزی و هیات اجرائیه (بیروی سیاسی) آن در شهر مسکو، محل تجمع افغانهایی که بدون کمک هیچ دولت و هیچ سازمان بین المللی در آن کار و زندگی می کنند برگزار شود، بناء:

۱- بنده حاضر هستم که مصارف دعوت و ویژه تمام اعضای محترم شورای مرکزی و هیات محترم اجرائیه (بیروی سیاسی) حزب وطن (ح.دخ.ا.) و دیگر رفقای را که بعدا به عضویت کمیسیون پذیرفته می شوند و در هر نقطه ای از دنیا که زندگی می کنند به شهر مسکو بپردازم.

۲- تمام مصارف اقامت رفقا را چون هتل و غذا را بر عهده می گیرم و مصارف برگشت ایشان را نیز می پردازم. تا باشد که ازین ناحیه نیز خاطر رفقای گرامی آسوده باشد و با خاطر آرام بتوانند کار کنند و جلسات شان را ادامه بدهند. به خاطر آنکه در امور تدارکات انتظام بهتری را مدنظر بگیرم، منتظر جواب رفقا هستم.

با احترام

غلام محمد
رییس مرکز تجارتي افغانها و
رییس حزب ملی هیواد